استقلال خپلواکی
www.esteqlaal.net

احمد فواد ارسلا ۰۹ نوامبر، ۲۰۲۶

انتخابات میان دوره یی امریکا در سال ۲۰۲۶ معادله سیاسی واشنگتن را تغییر داد: مخالفان افغان همچنان بی‌اثر مانده اند و قمار ستراتژیک پاکستان نتیجهٔ معکوس داده است



انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر ۲۰۲۶ امریکا، توازن سیاسی قدرت را در واشنگتن تغییر داده و عواقب آن فراتر از سیاست داخلی امریکا خواهد رفت. حزب دموکرات توانست کنترول هر دو مجلس نمایندگان و سنا را به دست آورد. این پیروزی ضربهٔ سیاسی مهمی به دانالد ترمپ، رئیس‌جمهور امریکا، وارد کرد و اختیار کمیته‌های کانگرس، اولویت‌های قانون‌گذاری، نظارت بر عملکرد حکومت و تصمیم‌گیری‌های مهم در مورد مصارف دولتی را به دست مخالفان سیاسی او

سپرد. نتایج این انتخابات بر دو سال پایانی ریاست‌جمهوری ترمپ تأثیر خواهد گذاشت و فشارهای تازه‌ای بر سیاست خارجی امریکا وارد خواهد کرد.

با این حال، عواقب این تحول برای افغانستان و پاکستان پیچیده تر از آن است که برخی ناظران سیاسی تصور می‌کنند. تغییر قدرت در کانگرس به این معنا نیست که واشنگتن ناگهان سیاست خود در قبال افغانستان را تغییر خواهد داد، از بازگشت رهبران پیشین سیاسی افغانستان حمایت خواهد کرد یا اولویت‌های کنونی منطقه‌ای خود را کنار خواهد گذاشت. در واقع، واقعیت‌های سیاسی و ستراتژیکی که پس از بازگشت طالبان به قدرت شکل گرفته اند، چنین احتمالی را بسیار دور از تصور می سازند.

زمانی که ترمپ دوباره وارد قصر سفید شد، دو گروه تصور کردند که فرصت تازه ای برای تغییر آیندهٔ سیاسی افغانستان به وجود آمده است. بقایای نظام سیاسی پیشین افغانستان امیدوار بودند که تغییر حکومت در واشنگتن، چانس بازگشت آنان به قدرت را دوباره زنده کند. در همین حال، رهبران نظامی و سیاسی پاکستان اطمینان داشتند که بازگشت ترمپ به قدرت، نفوذ اسلام‌آباد بر کابل را تقویت خواهد کرد و به پاکستان امکان می‌دهد کنترول بیشتری بر مسیر سیاسی افغانستان داشته باشد.

اما هر دو انتظار با واقعیت متفاوتی روبه‌رو شدند. نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر نیز بُعد تازه‌ای به اشتباهات محاسبهٔ آنان افزوده است.

شرطبندی مخالفان افغان روی واشنگتن شکست خورده است:

رهبران پیشین نظام سیاسی افغانستان تصور می‌کردند روابط و ارتباطاتی که طی بیست سال حضور امریکا در افغانستان در واشنگتن ایجاد کرده بودند، بار دیگر ارزش سیاسی پیدا خواهد کرد. مقام‌ها و چهره‌های سیاسی پیشین که سال‌ها برای دستیابی به مقام‌های دولتی، نفوذ سیاسی و دسترسی به منابع مالی امریکا و افغانستان رقابت کرده بودند، خود را به‌عنوان جایگزینی برای حکومت طالبان معرفی کردند. آنان انتظار داشتند واشنگتن از یک تلاش سیاسی و احتمالاً نظامی تازه برای برکناری طالبان حمایت کند.

اما اهمیت سیاسی را نمی‌توان از طریق لابی‌گری در پایتخت‌های خارجی، اشتراک در کنفرانس‌ها یا صدور اعلامیه از سوی مقام‌های پیشین دوباره به دست آورد.

کسانی که زمانی ادارهٔ حکومت افغانستان را در اختیار داشتند، هنوز نشان نداده‌اند که از تشکیلات سیاسی، حمایت مردمی یا توانایی نظامی لازم برای چلنج دادن طالبان برخوردار هستند. کارنامهٔ

آنان در دوران حکومت نیز همچنان مانع بزرگی در برابر بازگشت‌شان به صحنهٔ سیاسی است. دو دهه فساد اداری، رقابت‌های جناحی، تقسیم مقام‌های دولتی بر اساس روابط سیاسی و رقابت بر سر کمک‌های خارجی، اعتبار نظام پیشین را به‌شدت از میان برد.

بسیاری از چهره‌های برجستهٔ آن نظام هنوز بیشتر وقت خود را صرف رقابت بر سر ادعای رهبری و دنبال کردن جاه‌طلبی‌های شخصی می‌کنند تا ایجاد یک بدیل سیاسی معتبر در سطح ملی.

مخالفان طالبان در داخل افغانستان عملاً به نیرویی بی‌تأثیر تبدیل شده‌اند. رهبران آنان ممکن است هنوز به برخی محافل بین‌المللی دسترسی داشته باشند، اما ارتباط با سیاستمداران خارجی به معنای داشتن نفوذ بر تحولات داخل افغانستان نیست.

انتخابات امریکا در سال ۲۰۲۶ باید این چهره‌های سیاسی را وادار سازد تا در محاسبات خود تجدیدنظر کنند. تغییر رهبری در کانگرس به‌طور خودکار به معنای حمایت از مخالفان طالبان نیست. دموکرات‌ها ممکن است سیاست‌های ترمپ را مورد سوال قرار بدهند، عملکرد ادارهٔ او را مورد تحقیق قرار دهند و برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی امریکا تلاش کنند، اما این به معنای آن نیست که آنان قصد دارند ساختار سیاسی‌ای را دوباره احیا کنند که در سال ۲۰۲۱ در افغانستان فروپاشید.

مخالفان افغان رقابت سیاسی در امریکا را با فرصتی برای بازگشت خود به قدرت اشتباه گرفته‌اند. این دو موضوع کاملاً متفاوت‌اند.

قمار ستراتژیک پاکستان نتیجه معکوس داده است:

محاسبهٔ پاکستان متفاوت بود، اما به همان اندازه اشتباه از آب درآمد. اسلام‌آباد سال‌ها از طالبان حمایت کرده بود، با این امید که بازگشت آنان به قدرت، حکومتی دوست در کابل ایجاد کند و موقعیت ستراتژیک پاکستان را در برابر هند تقویت نماید. پیروزی طالبان در آگست ۲۰۲۱ در ابتدا چنین نتیجه‌ای را به نمایش می‌گذاشت.

تشکیلات نظامی پاکستان ظاهراً اطمینان داشت که حکومت جدید افغانستان همچنان به اسلام‌آباد وابسته خواهد ماند و خواسته‌های امنیتی و سیاسی پاکستان را دنبال خواهد کرد. این تصور، ارادهٔ رهبری طالبان برای اعمال کنترول مستقل بر افغانستان را نادیده گرفته بود.

روابط دو طرف از آن زمان تاکنون به رویارویی آشکار تبدیل شده است. پاکستان اکنون در امتداد مرزهای غربی خود با چلنج های جدی امنیتی روبه رو است که درگیری های مسلحانه با حکومت طالبان و تشنجات دوامدار بر سر حضور و فعالیت گروه‌های مسلح از جملهٔ آن‌هاست.

آنچه اسلام‌آباد انتظار داشت به یک امتیاز ستراتژیک تبدیل شود، اکنون به رویارویی پرهزینه‌ای مبدل شده است.

عواقب اقتصادی این وضعیت هم‌اکنون قابل توجه است. بسته شدن گذرگاه‌های مرزی و محدودیت‌های تجارتی، دادوستد را مختل کرده، به فعالیت شرکت‌ها آسیب رسانده و زندگی مردم را در هر دو سوی مرز تحت تأثیر قرار داده است. تجارت دوجانبهٔ پاکستان با افغانستان به‌شدت کاهش یافته و صادرکنندگان پاکستانی، شرکت‌های ترانسپورتی و کسب‌وکارهایی که به تجارت فرامرزی وابسته‌اند، زیان دیده‌اند.

این درگیری در زمانی رخ می‌دهد که پاکستان با فشارهای اقتصادی و مشکلات جدی امنیتی در بلوچستان و خیبرپختونخوا نیز دست‌وپنجه نرم می‌کند. اردوی پاکستان ناگزیر است با چندین چچلنج امنیتی هم‌زمان مقابله کند، در حالی که کشور با مشکلات فزایندهٔ اقتصادی و سیاسی روبه‌رو است. پاکستان اکنون منابع قابل توجه نظامی، سیاسی و اقتصادی خود را صرف مقابله با حکومتی می‌کند که زمانی انتظار داشت بر آن نفوذ داشته باشد.

مشکل اساسی این است که پاکستان هرگز به‌طور کامل نپذیرفت که طالبان، با وجود روابط تاریخی‌شان با اسلام‌آباد، در نهایت منافع مستقل خود را دنبال خواهند کرد. جنبشی که چندین دهه برای تسلط بر افغانستان جنگیده بود، بعید بود پس از رسیدن به قدرت استقلال خود را واگذار کند. پاکستان ممکن است در فراهم ساختن شرایط بازگشت طالبان به قدرت نقش داشته باشد، اما این موضوع به معنای مالکیت یا اختیار بر حکومت افغانستان نیست.

فشار نظامی نیز لزوماً این واقعیت را تغییر نخواهد داد. هرقدر این رویارویی طولانی‌تر شود، زیان آن برای امنیت، اقتصاد و جایگاه منطقه‌ای پاکستان بیشتر خواهد شد.

انتخابات نوامبر ۲۰۲۶ فضای سیاست خارجی واشنگتن را تغییر داده است:

مهم‌ترین تحول سیاسی برای منطقه، پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر ۲۰۲۶ است. دموکرات‌ها کنترول هر دو مجلس کانگرس را به دست آورده‌اند. این نتیجه، فضای سیاسی واشنگتن را در دو سال پایانی ریاست جمهوری ترمپ به گونه بنیادی تغییر خواهد داد.

خبرگزاری اسوشیتدپرس در شب انتخابات، پیروزی دموکرات‌ها در سنا و صبح روز بعد، کنترول آنان بر مجلس نمایندگان را اعلام کرد. این نتیجه به دموکرات ها اختیار کمیته های کانگرس، دستور کار قانون گذاری و روند نظارت بر عملکرد حکومت را می‌دهد. آنان همچنان در تصمیم‌گیری‌های

مربوط به تخصیص بودجه و تأیید سفیران و مقام‌های ارشد ادارۀ حکومت از سوی سنا، نفوذ بیشتری خواهند داشت.

این انتخابات به طور گسترده به‌عنوان رد عملکرد ترمپ در زمینۀ اقتصاد، افزایش هزینه های زندگی، تعرفه‌های تجارتی و به‌ویژه جنگ با ایران تعبیر شده است. نتیجۀ انتخابات، حکومت دوپاره‌ای را به وجود آورده است که در آن رئیس جمهور جمهوری خواه ناگزیر خواهد بود با کانگرسی تحت کنترول دموکرات ها کار کند.

عواقب این تحول برای ترمپ قابل توجه است. ادارۀ او با تحقیقات بیشتر کانگرس، جلسات استماعیه و درخواست های مکرر برای ارائۀ اطلاعات روبه رو خواهد شد. دموکرات‌ها اختیار خواهند داشت تا تصمیم های سیاست خارجی، مصارف نظامی، تعهدات امنیتی امریکا و عملکرد ادارۀ ترمپ در جنگ با ایران را مورد بررسی قرار دهند.

اما میان نظارت کانگرس و کنترول سیاست خارجی تفاوت وجود دارد. ترمپ همچنان رئیس‌جمهور است و صلاحیت‌های گستردۀ اجرایی در عرصۀ دیپلماسی و عملیات نظامی را در اختیار دارد. دموکرات ها نمی‌توانند به سادگی سیاست خارجی او را با سیاست خود جایگزین کنند. با این حال، آنان می توانند اجرای سیاست های ادارۀ ترمپ را بدون نظارت و همکاری کانگرس بسیار دشوارتر سازند. این تفاوت بخصوص در مورد افغانستان اهمیت دارد.

مخالفان طالبان ممکن است پیروزی دموکرات‌ها را فرصتی برای بازگشایی بحث بر سر حاکمیت طالبان تلقی کنند. برخی مقام‌های پیشین شاید انتظار داشته باشند که قانون گزاران دموکرات بار دیگر موضوع خروج نیروهای امریکایی از افغانستان را بررسی کنند، در مورد شرایط سقوط حکومت پیشین و تسلط طالبان تحقیق نمایند و خواهان اتخاذ سیاست سخت‌گیرانه‌تری در برابر کابل شوند.

بدون شک، در کانگرس علاقه به بررسی مسائل افغانستان وجود خواهد داشت. حقوق بشر، آموزش دختران، تروریسم و شرایط خروج امریکا از افغانستان از جمله موضوعاتی خواهند بود که مورد توجه قرار می‌گیرند. اما انتقاد کانگرس از طالبان به طور خودکار به معنای حمایت از یک پروژۀ سیاسی یا نظامی دیگر برای افغانستان نیست.

دموکرات‌ها اولویت‌های داخلی، نگرانی‌های اقتصادی و چلنج های بزرگ سیاست خارجی خود را دارند. جنگ با ایران به‌تنهایی بخش قابل توجهی از وقت و توجه کانگرس را به خود اختصاص خواهد داد.

کانگرس جدید همچنان ناگزیر است عواقب مالی و نظامی تعهدات بین‌المللی امریکا را بررسی کند. پس از دو دهه جنگ در افغانستان، واشنگتن تمایل چندانی به ورود دوباره به یک درگیری نظامی بی پایان در آن کشور ندارد.

مخالفان افغان نباید تغییر رهبری کانگرس را با تغییر محاسبات ستراتژیک امریکا اشتباه بگیرند.

جنگ ایران برای جلب توجه واشنگتن با افغانستان رقابت خواهد کرد:

جنگ با ایران به یکی از مهم‌ترین چلنج های ادارۀ ترمپ تبدیل شده است. این جنگ فشارهای نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی ایجاد کرده و همزمان به یکی از موضوعات مهم سیاست داخلی امریکا مبدل شده است.

نتایج انتخابات میان دوره یی جایگاه دموکرات ها را در کانگرس تقویت کرده است. آنان قصد دارند عملکرد ادارۀ ترمپ در مدیریت جنگ، هزینه های آن و مبنای قانونی عملیات نظامی را مورد تحقیق قرار دهند.

این وضعیت ادارۀ ترمپ را مجبور خواهد ساخت بخش قابل توجهی از توان سیاسی خود را صرف دفاع از تصمیم‌هایش کند. کانگرس نیز نقش بیشتری در بررسی مصارف نظامی، نیازهای تسلیحاتی، تعهدات مربوط به نیروهای امریکایی و پیامدهای گستردۀ این درگیری خواهد داشت.

توجه و منابع واشنگتن نامحدود نیست. حکومتی که با یک جنگ بزرگ منطقه‌ای روبه‌رو است، انگیزۀ چندانی ندارد که با حمایت از کارزار سرنگونی طالبان، جبهۀ دیگری را در منطقه باز کند.

نگرانی امریکا در مورد تروریسم در افغانستان همچنان پابرجاست. داعش خراسان هنوز یک تهدید امنیتی منطقه یی و بین‌المللی به شمار می‌رود و واشنگتن دلایل روشنی برای جلوگیری از گسترش فعالیت‌های این سازمان دارد. طالبان نیز عملیاتی را علیه داعش خراسان انجام داده‌اند که در زمینۀ امنیتی، زمینه‌هایی محدود از منافع مشترک میان دو طرف ایجاد کرده است. با این حال، پرسش‌های جدی در مورد حضور سایر گروه‌های مسلح و تعهد طالبان به مبارزه با تروریسم همچنان باقی است.

بنابراین، ممکن است ادارۀ ترمپ عملی تر بداند که به جای دنبال کردن تغییر نظام در افغانستان، بر مهار تهدید های امنیتی تمرکز کند.

این به معنای پذیرش سیاست‌های داخلی طالبان از سوی واشنگتن یا حل شده دانستن مشکلات افغانستان نیست. محدودیت‌های اعمال‌شده بر زنان و دختران، نبود یک نظام سیاسی فراگیر و مشکلات اقتصادی کشور همچنان نگرانی‌های جدی به شمار می‌روند. اما محاسبۀ سیاست خارجی امریکا بیش از پیش بر مدیریت این نگرانی‌ها بدون بازگشت به مداخلۀ نظامی استوار شده است.

برای مخالفان افغان، پذیرفتن این واقعیت دشوار خواهد بود. امید آنان برای جلب حمایت امریکا باید با مجموعهٔ بسیار بزرگ‌تری از اولویت‌های واشنگتن رقابت کند.

پاکستان ممکن است با نظارت و پرسشگری بیشتر کانگرس روبه رو شود:

انتخابات سال ۲۰۲۶ ممکن است عواقب سیاسی فوری‌تری برای پاکستان داشته باشد تا برای حکومت طالبان.

اسلام‌آباد تلاش های دیپلماتیک گسترده ای برای ایجاد روابط نزدیک با ترمپ و ادارهٔ او انجام داده بود. رهبران پاکستان ظاهراً باور داشتند که روابط شخصی و همکاری‌های امنیتی می‌تواند به حمایت امریکا از اهداف منطقه‌ای اسلام‌آباد منجر شود. اما پیروزی دموکرات‌ها این فضای سیاسی را تغییر داده است.

با در اختیار گرفتن هر دو مجلس، کمیته‌های کانگرس اختیار بیشتری برای بررسی سیاست‌های امنیتی پاکستان، کمک‌های امریکا، همکاری‌های نظامی و نقش اسلام‌آباد در درگیری‌های منطقه‌ای خواهند داشت. سیاست‌های پاکستان در قبال افغانستان، روابط آن با سازمان‌های مسلح و عملکرد نیروهای امنیتی این کشور ممکن است بار دیگر توجه و پرسشگری بیشتری را به خود جلب کند.

موقعیت پاکستان از پیش نیز تحت فشار قرار دارد. رویارویی این کشور با افغانستان، وضعیت امنیتی مرزهای غربی آن را پیچیده‌تر ساخته است، در حالی که بی‌ثباتی دوامدار در بلوچستان و خیبرپختونخوا فشار بیشتری بر اردوی پاکستان وارد می کند. عواقب اقتصادی بحران مرزی با افغانستان نیز به این مشکلات افزوده است.

اسلام‌آباد دیگر نمی‌تواند فرض کند که روابط نزدیک با ترمپ برایش مصونیت سیاسی کافی در واشنگتن فراهم خواهد کرد. کانگرس تحت کنترول دموکرات‌ها ممکن است خواهان پاسخ گویی بیشتر و بررسی دقیق تر همکاری‌های امریکا با پاکستان شود.

البته این به معنای آن نیست که دموکرات‌ها به طور خودکار سیاستی ضد پاکستان اتخاذ خواهند کرد. منافع امریکا در مبارزه با تروریسم، امنیت منطقه‌ای و روابط با جنوب آسیا، صرف‌نظر از اینکه کدام حزب کنترول کانگرس را در اختیار دارد، همچنان پابرجا خواهد ماند. اما تشکیلات نظامی پاکستان ناگزیر خواهد بود با فضای سیاسی پیچیده‌تری در واشنگتن کنار بیاید.

تغییر قدرت در کانگرس همچنان برای راهبرد دیپلماتیک پاکستان ابهام ایجاد می‌کند. رهبران این کشور باید هم‌زمان روابط خود با ادارهٔ ترمپ را حفظ کنند و برای تعامل با رهبران کانگرس که

ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی در مورد همکاری‌های امنیتی امریکا و سیاست‌های منطقه یی پاکستان داشته باشند، آماده شوند.

روابط نزدیکی که اسلام‌آباد در پی ایجاد آن با ترمپ بود، ممکن است برای تأمین حمایت سیاسی مورد انتظار پاکستان کافی نباشد.

طالبان شرکای منطقه یی دیگری پیدا کرده اند:

در حالی که مخالفان افغان منتظر تغییر موضع واشنگتن بودند، حکومت طالبان بر گسترش روابط خود با کشورهای همسایهٔ افغانستان و قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای تمرکز کرد.

چین، روسیه، ایران، هند و جمهوری‌های آسیای مرکزی، همگی روابط کاری و عملی با کابل برقرار کرده‌اند. سطح و گسترهٔ این روابط متفاوت است و بیشتر این کشورها هنوز حکومت طالبان را به‌گونه رسمی به رسمیت نشناخته‌اند. با این حال، روسیه در جولای ۲۰۲۵ به طور رسمی حکومت طالبان را به رسمیت شناخت.

این کشورها با وجود اختلافات سیاسی خود با طالبان، بخصوص در مورد حقوق زنان، آموزش، امنیت و ماهیت نظام سیاسی افغانستان، همچنان تماس‌های دیپلماتیک، تجارت، همکاری‌های اقتصادی و گفت‌وگوهای امنیتی خود را گسترش داده‌اند. تصمیم‌های آنان بر اساس منافع عملی صورت می گیرد.

چین خواهان ثبات و دسترسی اقتصادی است. روسیه می خواهد از بی ثباتی منطقه یی جلوگیری کند و جایگاه خود را در آسیای مرکزی تقویت نماید. ایران به داشتن روابط فعال و کارآمد با همسایهٔ شرقی خود نیاز دارد. هند می خواهد منافع اقتصادی و استراتژیک خود را در افغانستان حفظ کند. کشورهای آسیای مرکزی نیز به دنبال دسترسی به بازارها، مسیرهای ترانسپورتی و پروژه های انرژی هستند.

موقعیت جغرافیایی افغانستان آن‌قدر اهمیت دارد که این کشورها نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند. افغانستان آسیای جنوبی را به آسیای مرکزی، چین و شرق میانه وصل می‌کند. هیچ یک از حکومت‌های همسایه نمی تواند تمام سیاست خود در قبال افغانستان را صرفاً بر اساس موافقت یا مخالفت با سیاست‌های داخلی طالبان تنظیم کند.

ازسرگیری روابط هند با افغانستان برای پاکستان اهمیت خاص دارد. اسلام آباد سال‌ها تلاش کرد حضور سیاسی و اقتصادی هند را در افغانستان محدود سازد. با این حال، دهلی نو بار دیگر روابط

مستقیم خود با کابل را از سر گرفته و همکاری‌هایش را در بخش‌های تجارت، ترانسپورت، دواسازی، زراعت و سایر عرصه‌ها گسترش می‌دهد.

رویارویی پاکستان با طالبان فضای بیشتری برای هند فراهم کرده است تا منافع خود را در افغانستان دنبال کند.

طالبان همچنان کنترول خود را بر کشور تحکیم کرده‌اند. آنان یک ادارهٔ متمرکز ایجاد کرده و مانع شکل‌گیری یک ادارهٔ سیاسی یا نظامی رقیب شده‌اند که توانایی به چالش کشیدن حاکمیت آنان را داشته باشد. مبارزهٔ آنان علیه داعش خراسان به بخش مهمی از روابط امنیتی‌شان با حکومت‌های منطقه تبدیل شده است، هرچند این سازمان تروریستی همچنان فعال است و نگرانی‌های بین‌المللی در مورد حضور سایر گروه های مسلح در افغانستان نیز از میان نرفته است.

هیچ یک از این تحولات به معنای آن نیست که افغانستان به کشوری باثبات و مرفه تبدیل شده است. اقتصاد کشور همچنان ضعیف است، فقر در سطح گسترده وجود دارد و محدودیت‌های طالبان بر زنان و دختران موانع جدی در برابر پذیرش بین‌المللی افغانستان ایجاد کرده است.

با این وجود، این مشکلات مانع نشده‌اند که حکومت‌های منطقه مستقیماً با کابل تعامل کنند.

میان به رسمیت شناختن یک حکومت و پذیرفتن واقعیت سیاسی حاکمیت آن بر یک کشور تفاوت وجود دارد. حکومت‌های منطقه بیش از پیش این تفاوت را درک می‌کنند.

آیندهٔ سیاسی افغانستان را نه واشنگتن تعیین کرده می تواند و نه اسلام آباد:

انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر ۲۰۲۶ امریکا، توازن قدرت را در واشنگتن تغییر داده است. دموکرات‌ها از طریق نظارت کانگرس، تصمیم گیری‌های بودجوی، تحقیقات و روند تأیید مقام‌های دولتی، نفوذ بیشتری بر سیاست خارجی امریکا خواهند داشت. با این حال، ترمپ همچنان صلاحیت های اجرایی ریاست جمهوری را در اختیار دارد و به شکل‌دهی تصمیم های دیپلماتیک و نظامی ادارهٔ خود ادامه خواهد داد.

برای افغانستان، عواقب فوری این انتخابات احتمالاً شامل تغییر بنیادی در طرز دید واشنگتن نسبت به طالبان نخواهد بود. ایالات متحده با اولویت‌های فوری دیگری، بخصوص جنگ با ایران و چلنج‌های امنیتی منطقه‌ای ناشی از آن، روبه‌رو است. کانگرس جدید ممکن است نظارت و فشار بیشتری بر طالبان اعمال کند، اما این موضوع با حمایت از برکناری آنان تفاوت دارد.

چشم‌انداز منطقه‌ای نیز در حال تغییر است. چین، روسیه، ایران، هند و کشورهای آسیای مرکزی روابط کاری و عملی با کابل ایجاد کرده‌اند. منافع اقتصادی و امنیتی این کشورها با تغییر رهبری در کانگرس امریکا از میان نخواهد رفت.

طالبان از این تحولات سود برده‌اند، اما نباید تعامل دیپلماتیک کشورها را با تأیید بین‌المللی سیاست‌های خود اشتباه بگیرند. محدودیت‌های آنان بر زنان و دختران، نبود مشارکت سیاسی و مشکلات اقتصادی افغانستان همچنان موانع جدی در برابر آیندهٔ کشور به شمار می‌روند.

مخالفان افغان نیز با چلنج های دشواری روبه رو هستند. رهبران آنان باید بپذیرند که ساختارهای سیاسی گذشته را نمی‌توان صرفاً از طریق فشار کانگرس امریکا یا مداخلهٔ دوبارهٔ خارجی احیا کرد. اگر می‌خواهند در آیندهٔ افغانستان نقشی داشته باشند، باید در میان مردم افغانستان اعتبار کسب کنند، اختلافات داخلی خود را کنار بگذارند و برنامهٔ سیاسی ای ارائه کنند که به نیازهای واقعی کشور پاسخ دهد.

پاکستان نیز ناگزیر است در ستذاتیژی که این کشور را با حکومتی وارد رویارویی ساخته که زمانی انتظار داشت بر آن نفوذ داشته باشد، تجدیدنظر کند.

انتخابات میان دوره‌ای نوامبر معادلهٔ سیاسی واشنگتن را تغییر داده است، اما تحولات داخل افغانستان را معکوس نکرده است. کانگرس جدید اولویت های خود را خواهد داشت، ترمپ همچنان از صلاحیت‌های ریاست‌جمهوری استفاده خواهد کرد و کشورهای منطقه نیز منافع اقتصادی و امنیتی خود را از طریق تعامل با حکومت مستقر در کابل دنبال خواهند کرد.

چهره‌های سیاسی بانفوذ نظام پیشین افغانستان هنوز منتظرند تا واشنگتن آنان را دوباره به قدرت بازگرداند. پاکستان نیز همچنان تلاش می کند کابل را زیر نفوذ خود بیاورد. اما هیچ یک تاکنون راه قانع‌کننده‌ای برای رسیدن به این اهداف ارائه نکرده‌اند.

پرسش مهم‌تر این است که آیا طالبان از موقعیت منطقه یی تقویت شدهٔ خود برای رسیدگی به محرومیت سیاسی، دشواری‌های اقتصادی و محدودیت های اعمال‌شده بر حقوق مردم افغانستان استفاده خواهند کرد یا خیر. حفظ قدرت یک موضوع است؛ اما ساختن کشوری که در آن افغان‌ها بتوانند در زندگی سیاسی و اقتصادی خود سهم بگیرند، موضوعی کاملاً متفاوت است.